

شهریور ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۴۲۶

**نحوه مواجهه با بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی
و جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸**



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۴۲۶

کد موضوعی: ۲۲۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نحوه مواجهه با بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی و جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه پولی و بانکی)

تهیه و تدوین کنندگان: میثم خسروی، سیدمهدی بنی‌طبا

ناظران علمی: احمد شعبانی، موسی شهبازی غیائی، سیدعلی روحانی

اظهار نظر کنندگان: علیرضا ساعدی، رضا نیازی شهرکی

واژه‌های کلیدی:

۱. تسهیلات ارزی

۲. صندوق توسعه ملی

۳. جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸

۴. ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور

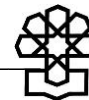


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۱۹

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
۱. استدلال‌های تسهیلات‌گیرندگان درخصوص ضرورت تسویه ریالی تعهدات ارزی.....	۳
۲. نقش نظام بانکی در عدم بازپرداخت تسهیلات ارزی.....	۵
۳. بررسی ویژگی‌های بدهکاران ارزی موضوع گزارش.....	۶
۳-۱. بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی.....	۶
۳-۲. مطالبات ناشی از جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸.....	۸
۴. اصول کلی به‌منظور انتخاب مواجهه بهینه با بدهکاران ارزی.....	۱۰
جمع‌بندی و ارائه راهکارها.....	۱۱
۱. پیشنهاد برای جلوگیری از تکرار مسئله عدم بازپرداخت تسهیلات ارزی.....	۱۱
۲. پیشنهادهایی برای تعیین تکلیف بدهکاران ارزی.....	۱۲



نحوه مواجهه با بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی و جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸

چکیده

نظام ارزی کشور در دهه‌های گذشته شامل دوره‌های مکرر سرکوب نرخ ارز و جهش نرخ ارز بوده است و همواره بعد از دوره‌های جهش ارزی یکی از چالش‌ها، عدم بازپرداخت بدهی‌های ارزی توسط تسهیلات‌گیرندگان ارزی بوده است. پس از جهش ارزی سال ۱۳۹۷ تاکنون این موضوع را مکرراً تسهیلات‌گیرندگان ارزی و تشکلهای صنفی آنها اعم از اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران مطرح کرده و می‌کنند.

این گزارش ضمن بررسی کلیات موضوع، بر بررسی مسائل دو دسته اصلی بدهکاران ارزی شامل بدهکاران به صندوق توسعه ملی و بدهکاران ارزی از محل منابع جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ متمرکز شده است. درخصوص این اشخاص، از یک‌سو عده‌ای به دنبال بخشش بخشی از بدهی آنها هستند و معتقدند تسویه بدهی ارزی باید به‌صورت ریالی و با نرخ ارزی پایین‌تر از نرخ ارز روز اتفاق بیفتد، ازسوی دیگر بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و حقوقی معتقدند این اقدام همانا اضرار به بیت‌المال (منابع صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی در بودجه سال ۱۳۸۸) بوده و به تضییع حقوق مردم منجر خواهد شد و بر دریافت تمام و کمال مطالبات تأکید دارند.

به‌طور خلاصه اهم دلایلی که در حمایت از بدهکاران ارزی عنوان می‌شود عبارت است از اینکه بدهکاران ارزی به‌دلیل جهش قابل توجه نرخ ارز و همچنین برخی مداخلات دولت (نظیر ممنوعیت صادراتی یا قیمت‌گذاری) توان بازپرداخت تسهیلات به‌صورت ارزی یا به نرخ ارز روز را ندارند. این در حالی است که مدیریت ریسک نرخ ارز وظیفه بنگاه دریافت‌کننده ارز بوده و برخی از مداخلات قیمتی دولت امری غیرمسبق به سابقه نبوده است. علاوه بر این اگر عدم توان بازپرداخت به‌دلیل مداخلات ارتجالی دولت نظیر وضع ممنوعیت صادراتی است، دولت باید جبران‌کننده این زیان باشد نه تسهیلات‌دهنده (صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی) و لازم است بار مالی این موضوع تمهید شود. مضاف بر این، درخصوص تسهیلات صندوق توسعه ملی، نکته دیگر این است که هرگونه تسویه ریالی مطالبات صندوق توسعه ملی مغایر اساسنامه صندوق بوده و مستلزم استیذان از مقام معظم رهبری است.

در پایان این گزارش پیشنهاد شده است با عنایت به اولاً قابل قبول نبودن استدلال‌های مبنی بر بخشودگی و ثانیاً افزایش ارزش دارایی‌های بدهکاران ارزی، همه مطالبات از بدهکاران ارزی طبق قرارداد دریافت شود (در درجه اول به‌صورت ارزی و در درجه دوم به‌صورت ریالی و با نرخ ارز) و در صورت عدم بازپرداخت تعهدات، طرح و دارایی بدهکار ازسوی صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی تملک شود.

مقدمه

نظام ارزی کشور در دهه‌های گذشته شامل دوره‌های مکرر سرکوب نرخ ارز و جهش نرخ ارز بوده است^۱ و همواره بعد از دوره‌های جهش ارزی یکی از چالش‌ها عدم بازپرداخت بدهی‌های ارزی از سوی تسهیلات‌گیرندگان ارزی بوده است. این چالش از این جهت ایجاد می‌شود که در مقاطع ثبات نرخ ارز اسمی (به‌رغم رشد نقدینگی و تورم) به‌دلیل پایین بودن نرخ سود مؤثر تسهیلات ارزی^۲ (با احتساب رشد نرخ ارز) نسبت به تسهیلات ریالی، دریافت تسهیلات ارزی ولو برای مصارف ریالی و به‌رغم نداشتن پیش‌بینی درآمد ارزی، نسبت به دریافت تسهیلات ریالی جذابیت بیشتری دارد. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۳ که نرخ ارز رشد ۳ درصدی را تجربه کرد، نرخ سود مؤثر (با احتساب نرخ رشد ارز) تسهیلات‌گیرندگان ارزی در آن مقطع ۹/۱۸ درصد و نرخ سود تسهیلات ریالی (مصوب شورای پول و اعتبار)، ۲۲ درصد بوده است.

طبیعی است تداوم بهره‌مندی از این تسهیلات ارزان‌تر برای تسهیلات‌گیرندگان ارزی منوط به عدم افزایش نرخ ارز است، اما زمانی که نرخ ارز با یک جهش دفعی مواجه شود، مابه‌التفاوت نرخ سود ریالی و ارزی سال‌های گذشته جبران خواهد شد و سود مؤثر تسهیلات ارزی را در مقایسه با تسهیلات ریالی بیشتر خواهد کرد، این موضوع می‌تواند در شرایطی گیرندگان تسهیلات ارزی را با مشکل جدی مواجه کند. از همین رو بعد از جهش‌های ارزی، تسهیلات‌گیرندگان ارزی تلاش می‌کنند با اقامه دلایلی (که در ادامه نقد خواهد شد) امکان تداوم بهره‌مندی از منافع پیش‌گفته را برای خود فراهم کنند. این درحالی است که با توجه به سابقه تاریخی دوره‌های سرکوب و جهش نرخ ارز و اینکه مشخص است با وجود رشد نقدینگی و تورم، امکان ثبات نرخ ارز در بلندمدت وجود نخواهد داشت و بالاخره این ثبات غیرواقعی با یک جهش جبران خواهد شد، علی‌القاعده محاسبات نرخ سود که در سطرهای پیشین از آن سخن رفت، مقوله‌ای نیست که تسهیلات‌گیرنده از آن غافل باشد یا غفلت از آن توسط سرمایه‌گذار موضوع قابل قبولی قلمداد شود.

این پدیده زمانی که تسهیلات ارزی از محل منابع عمومی نظیر صندوق توسعه ملی، بانک مرکزی، حساب ذخیره ارزی، دولت یا بانک‌های دولتی پرداخت شده باشد، مسئله علی‌حده‌ای ایجاد می‌کند و آن هم تلاش دریافت‌کنندگان تسهیلات ارزی برای تسویه ریالی یا عدم تسویه تسهیلات دریافت شده به بهانه افزایش شدید نرخ ارز و عدم توان بازپرداخت از سوی آنهاست. متأسفانه این موضوع بعد از هر جهش ارزی تکرار می‌شود و نهایتاً به ضرر منابع عمومی و بیت‌المال ختم می‌شود؛ تجربه‌ای که بارها در کشور اتفاق افتاده است. یکی از درس‌آموزترین این تجربه‌ها تصویب ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور^۳ (مصوب ۱۳۹۴/۲/۱) درخصوص تسهیلات دریافتی

۱. آسیب‌شناسی این سیاست در گزارش دیگری با عنوان «درآمدی بر راهبرد ارزی کشور: پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی» با شماره مسلسل ۱۷۸۰۰ (تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۷/۲۰) بیان شده است.

۲. منظور از نرخ سود مؤثر، نرخ سود به‌علاوه نرخ رشد ارز در بازه زمانی مشابه است.

۳. ماده (۲۰) - دولت موظف است نسبت به تعیین تکلیف نرخ و فرایند تسویه بدهکاران ارزی از محل حساب ذخیره ارزی به دولت به‌نحوی که زمان دریافت ارز، زمان فروش محصول یا زمان تکمیل طرح (حسب مورد)، نوع کالا (نهایی، واسطه‌ای یا سرمایه‌ای) وجود یا نبود محدودیت‌های قیمت‌گذاری توسط دولت و رعایت ضوابط قیمت‌گذاری و عرضه توسط دریافت‌کننده تسهیلات، وجود یا نبود منابع ارزی در زمان درخواست متقاضی لحاظ شده باشد، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون اقدام کند.

تبصره «۱» - گیرندگان تسهیلات موضوع این ماده از تاریخ ابلاغ این قانون تا سه ماه فرصت دارند تا بدهی خود به قیمت روز گشایش را با بانک عامل تأدیه و یا تعیین تکلیف کنند. بدهکارانی که مطابق این تبصره اقدام به تعیین تکلیف بدهی خود نموده باشند، مشمول تسهیلات این ماده هستند. تطابق شرایط این ماده با بدهکاران مزبور با تصویب کارگروه ملی و برحسب ضرورت استانی می‌باشد. کلیه اقدامات قانونی و اجرایی توسط بانک‌های عامل تا ابلاغ آیین‌نامه اجرایی این ماده متوقف می‌شود.

تبصره «۲» - آیین‌نامه اجرایی این ماده که در آن ترکیب کارگروه مذکور در تبصره «۱» تعیین می‌شود، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.



از محل حساب ذخیره ارزی است. بعد از گذشت بیش از هفت سال از تصویب این قانون و اصلاح آیین‌نامه اجرایی آن بیش از ۱۳ بار، کماکان بخشی از تسهیلات مشمول این قانون تسویه نشده است و از این محل زیان بسیاری به بیت‌المال تحمیل شده است.^۱

لذا از آنجایی که به‌رغم تجربه ناموفق ماده (۲۰) قانون فوق‌الذکر، پس از جهش ارزی سال ۱۳۹۷ تاکنون مشابه همین پیشنهاد مکرراً از سوی تسهیلات‌گیرندگان ارزی و تشکل‌های صنفی آنها اعم از اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران مطرح شده و می‌شود، ضروری است ابعاد و پیامدهای روش‌های مختلف مواجهه با بدهکاران ارزی بررسی و پیشنهادهایی که متضمن حفاظت از بیت‌المال است ارائه شود.

با وجود تنوع تسهیلات ارزی پرداخت شده از حیث منابع (نظیر تسهیلات ارزی پرداخت شده بانک‌های دولتی و غیردولتی، تسهیلات دریافتی خارجی و ...) و مسائل ویژه مرتبط به هریک از آنها، با توجه به اینکه در برخی محافل سیاستگذاری راجع به چگونگی تسویه بدهی دو دسته از بدهکاران ارزی یعنی: ۱. بدهکاران بابت تسهیلات از محل منابع صندوق توسعه ملی و ۲. بدهکاران بابت تسهیلات دریافتی از محل جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ مباحثی مطرح شده است، در این گزارش سعی می‌شود پس از تبیین کلیاتی درخصوص نحوه مواجهه با بدهکاران ارزی، ملاحظات مربوط به مواجهه‌ها با هریک از سرفصل‌های بدهی فوق‌مورد بحث و بررسی قرار گرفته و درنهایت پیشنهادهای اصلاحی برای حل‌وفصل و تعیین تکلیف بدهی‌های ارزی گذشته و ممانعت از تکرار این پدیده ارائه شود.

۱. استدلال‌های تسهیلات‌گیرندگان درخصوص ضرورت تسویه ریالی تعهدات ارزی

همان‌طور که گفته شد، پس از وقوع جهش‌های ارزی مانند اتفاقات سال ۱۳۹۷ به بعد، تسهیلات‌گیرندگان ارزی یا تشکل‌های صنفی آنها در تلاش برای تسویه تعهدات ارزی به‌صورت ریالی به نرخ روز دریافت تسهیلات یا با نرخ برابری پایین‌تر از نرخ بازار^۲ هستند، در مقابل تسهیلات‌دهندگان مانند صندوق توسعه ملی با تمسک به اصل صیانت از بیت‌المال به دنبال وصول مطالبات مطابق با قرارداد تسهیلات و تعهد تسهیلات‌گیرندگان مبنی بر بازپرداخت تسهیلات به‌صورت ارزی (با قبول ریسک تغییرات نرخ ارز) هستند.

در این بخش استدلال‌های تسهیلات‌گیرندگان ابتدا طرح و سپس نقد می‌شود:

۱. برخی از تسهیلات‌گیرندگان ارزی اگرچه برای موضوع تسهیلات خود نیاز ارزی داشته‌اند ولی پروژه فاقد درآمد ارزی بوده است و امکان بازپرداخت تسهیلات ارزی را ندارند. همچنین بخشی از بدهکاران پس از دریافت تسهیلات، مشمول مصوباتی مانند عوارض یا ممنوعیت صادراتی شده‌اند و توان بازپرداخت تعهدات ارزی این بنگاه‌ها کاهش پیدا کرده است.

۲. قیمت‌گذاری‌های غیرمنصفانه وضع شده برای فروش داخلی بعضی از بنگاه‌ها یا عدم ایفای دولت به تعهدات

۱. ارزیابی دقیق عملکرد و اثربخشی ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور موضوع این گزارش نیست، لیکن در گزارش دیگری با عنوان «گزارش عملکرد قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور در حوزه بازارهای مالی» با شماره مسلسل ۱۶۳۶۳ (تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۱۲/۲۲) تا تاریخ انتشار گزارش بررسی شده است.

۲. مشابه اتفاقی که به موجب ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور افتاد و طی آن بدهکاران ارزی از محل منابع حساب ذخیره ارزی در صورت تعیین تکلیف بدهی، می‌توانستند بدهی خود را به‌صورت ریالی و با نرخ ارز روز دریافت تسهیلات و با نرخ سود ریالی پایین بازپرداخت نمایند.

مالی خودش به کاهش توان ایفای تعهدات بنگاه‌ها منجر شده است. به عنوان مثال نیروگاه‌ها که سهم ۲۲ درصدی از تسهیلات ارزی پرداخت شده توسط صندوق توسعه ملی (به روش عاملیت) را دارند، مشمول قیمت‌گذاری بوده‌اند و دولت نیز تعهدات و بدهی‌های خود را به این نیروگاه‌ها پرداخت نکرده است.

۳. دولت به وظیفه خود برای معرفی ابزارهای پوشش ریسک نرخ ارز عمل نکرده است^۱ و اساساً این امکان برای بدهکاران فراهم نبوده است که ریسک نرخ ارز را پوشش دهند.

در خصوص استدلال اول، باید توجه داشت که پرداخت‌کنندگان تسهیلات اعم از صندوق توسعه ملی ماهیت حقوقی مستقل از دولت دارند و اگر با اقدامات دولت زبانی متوجه بدهکار شده و توان ایفای تعهدات وی را دچار خدشه کرده است، مسئولیتی متوجه آنها نیست و عنداللزوم دولت باید این زیان وارده را جبران کند. با این حال بررسی بدهکاران صندوق توسعه ملی نشان می‌دهد که بخش چشمگیری از آنها مشمول ممنوعیت صادراتی نبوده‌اند و مشکل اصلی آن است که با وجود اینکه از زمان دریافت تسهیلات مشخص بوده است که پروژه درآمد ارزی ندارد (مانند پروژه‌های نیروگاهی)، اقدام به دریافت تسهیلات ارزی به جای ریالی شده است که علت آن همان‌طور که توضیح داده شد، «نرخ سود مؤثر پایین‌تر تسهیلات ارزی در دوران تثبیت نرخ ارز و امید به تسویه ریالی در صورت جهش نرخ ارز» است که این چرخه معیوب یادگیری ناشی از قوانین و مصوبات قبلی ایجاد شده است.

در خصوص استدلال دوم؛ صرف‌نظر از اینکه در برخی از بنگاه‌های بدهکار قیمت‌گذاری هم در سمت ستانده (محصول نهایی) و هم در سمت نهاده (مواد اولیه) وجود داشته، با توجه به دامنه گسترده قیمت‌گذاری در کشور و سابقه طولانی موضوع، طرح توجیهی پروژه بایستی با لحاظ این موضوع تهیه می‌شد و غفلت از این عامل از سوی تسهیلات‌گیرنده و بانک عامل توجیهی ندارد. علاوه بر این باز هم نکته مطرح شده در خصوص استدلال اول (استقلال تسهیلات‌دهنده‌ها اعم از صندوق توسعه ملی از دولت) در این مورد نیز قابل طرح است، و در صورت قیمت‌گذاری به‌طور خاص در حوزه نیروگاه‌ها یا عدم ایفای تعهدات دولت به نیروگاه‌ها، دولت یا وزارت نیرو باید جبران‌کننده زیان نیروگاه‌ها باشند. بدین جهت وزارت نیرو می‌تواند درآمد ارزی حاصل از صادرات برق خود را به نیابت از نیروگاه‌های بدهکار به صندوق پرداخت کند و از این محل، خود بستانکار نیروگاه‌ها شده یا این پرداخت را با بدهی خود به نیروگاه‌ها تهاتر کند.

در رابطه با استدلال سوم اگرچه اهمال دولت‌های مختلف در طول هفت سال گذشته قابل پیگیری است ولی لازم به ذکر است یکی از دلایل شکل نگرفتن ابزارهای پوشش ریسک، نبود تقاضای مؤثری برای پوشش ریسک ارزی است؛ چون نرخ ارز حتی‌الامکان تثبیت می‌شود و زمانی که خروجی سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی، یعنی شوک ارزی اتفاق بیفتد نیز تجربه نشان داده است با یک قانون یا مصوبه‌ای، پوشش این ریسک از عهده تسهیلات‌گیرندگان خارج شده و متوجه بیت‌المال خواهد شد. در این چارچوب انگیزشی، چرا باید تقاضایی برای پوشش ریسک ارزی شکل گیرد؟ حتی اگر شکل گرفته باشد، چرا باید تولیدکننده چنین هزینه‌ای را انجام دهد و آن ابزار را خریداری کند؟

۱. تبصره «۳» ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور: وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه پوشش نوسانات نرخ ارز را تهیه کند و به تصویب هیئت وزیران برساند. و بند «ت» ماده (۴۶) قانون برنامه ششم توسعه: دولت مکلف است با رعایت تبصره «۳» ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ طی اجرای قانون برنامه، سازوکار لازم برای پوشش خطرات افزایش سالانه بیش از ده درصد (۱۰٪) نرخ ارز را در بودجه سنواتی پیش‌بینی کند و برای بنگاه‌های اقتصادی دریافت‌کننده تسهیلات ارزی طراحی و به اجرا درآورد.



همچنین مادامی که سیاست ارزی کشور اصلاح نشود و شاهد دوره‌های سرکوب و جهش ارزی باشیم، در سمت عرضه ابزارهای پوشش ریسک هم با مشکل مواجه خواهیم بود و حتی در صورت تقاضای کافی، بازار یک‌طرفه خواهد شد و نیازمند مداخله دولت خواهد بود که ممکن است هزینه‌های بسیاری را به همراه داشته باشد.

علاوه بر نکات فوق به نظر می‌رسد قوانین و مصوبات قبلی دال بر مجاز شمردن تسویه تعهدات ارزی به صورت ریالی پیامدهای مخرب بسیاری برای نظام مالی کشور در پی داشته است که در ادامه به برخی از این پیامدها اشاره می‌شود:

۱. تنبیه و مغبون ساختن تسهیلات‌گیرندگان خوش حساب و متعهد و در مقابل اعطای امتیاز مجدد به تسهیلات‌گیرندگان بدحساب که به ترویج نکول تعهدات در کشور و تضعیف التزام به قرارداد منجر خواهد شد.
۲. توزیع رانت از محل منابع عمومی کشور که متعلق به همه مردم است به نفع یک بخش کوچکی از بدهکاران ارزی بدحساب کشور.
۳. کاهش توان پرداخت تسهیلات ارزی به دلیل عدم تجدید منابع ارزی کشور.

۲. نقش نظام بانکی در عدم بازپرداخت تسهیلات ارزی

در مدل طراحی شده برای پرداخت تسهیلات صندوق، بانک عامل در ازای کارمزد، مسئولیت بررسی طرح‌های متقاضیان، احراز کفایت بازدهی لازم، اعتبارسنجی متقاضیان، نظارت بر مصرف تسهیلات و تضمین بازپرداخت تسهیلات را عهده‌دار است. این موضوع در جزء «۳» بند «د» اساسنامه صندوق توسعه ملی مورد تأکید قرار گرفته است:

«پرداخت تسهیلات از محل منابع صندوق بدون تأیید توجیه فنی، اقتصادی، مالی و اهلیت متقاضی توسط بانک عامل ممنوع است و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی خواهد بود. ارزیابی گزارش‌های توجیه فنی، اقتصادی و مالی و احراز کفایت بازدهی طرح‌های سرمایه‌گذاری با لحاظ عامل خطرپذیری، به میزانی که از نرخ سود تسهیلات مورد انتظار اعلام شده توسط هیئت امناء کمتر نباشد به عهده بانک عامل و به مثابه تضمین بانک عامل در بازپرداخت اصل و سود تسهیلات به صندوق است.»

براساس این مدل، بانک موظف به بازپرداخت تسهیلات به صندوق توسعه ملی است و طبیعی است که «عدم تناسب کارمزد با این مسئولیت در حال حاضر و پس از قبول آن توسط بانک» نمی‌تواند مسموع باشد. به عبارت روشن‌تر اگر بانک با فرض عدم پذیرش مسئولیت‌های پیش‌گفته، به پرداخت تسهیلات اقدام کرده باشد می‌توان گفت بانک به جای عاملیت، دچار یک مخاطره اخلاقی و معضل عاملیت^۱ شدید شده است. به هر تقدیر ممکن است نیاز باشد در این مدل پرداخت تسهیلات و واگذاری عاملیت، تجدیدنظر شود اما با عنایت به اینکه بانک‌های عامل با اذعان به چنین مسئولیتی به پرداخت تسهیلات اقدام کرده‌اند، لازم است به مسئولیت‌های خود پایبند باشند.

در خصوص تسهیلات جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ هم به موجب بند «پ» ماده (۶) ضوابط اجرایی این بند بانک‌های عامل در برابر بانک مرکزی متعهد هستند:

«پ - بانک عامل متعهد و مکلف است ظرف چهار روز کاری پس از سررسید اقساط نسبت به پرداخت اصل و سود تسهیلات و نیز جریمه دیرکرد موضوع ماده (۱۳) به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید. در غیر این صورت، بانک مرکزی مجاز است به هر نحو، از جمله برداشت از حساب‌های بانک عامل نسبت به انجام تسویه مبادرت ورزد. در این صورت مطالبات بانک عامل از تسهیلات‌گیرنده از محل وثایق مأخوذه (کافی، مطمئن و بلا معارض) وصول خواهد شد.»

موضوع جالب توجه اینکه بابت اجرای عملیات پرداخت تسهیلات و نیز تضمین بازپرداخت منابع برای بانک‌های عامل، کارمزد هم در نظر گرفته شده است. این کارمزد درخصوص تسهیلات صندوق توسعه ملی توسط صندوق، بانک مرکزی و دبیرخانه هیئت امنای تعیین می‌شود و درخصوص تسهیلات قانون بودجه ۱۳۸۸، ۲ درصد به‌علاوه کل جریمه تأخیر^۱ در نظر گرفته شده است.

۳. بررسی ویژگی‌های بدهکاران ارزی موضوع گزارش

در این بخش صورت مسئله درخصوص بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی و نیز بدهکاران ارزی موضوع جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ به‌صورت مبسوط توضیح داده می‌شود.

۳-۱. بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی

جدول زیر نوع و میزان تأمین مالی از محل منابع صندوق توسعه ملی از ابتدای تأسیس تا خردادماه ۱۴۰۰ را نشان می‌دهد:

جدول ۱. تأمین مالی از محل منابع صندوق توسعه ملی

عنوان	ارزی		ریالی	
	مبلغ (میلیارد دلار)	تعداد	مبلغ (هزار میلیارد ریال)	تعداد
عاملیت (گشایش اعتبار شده)	۳۴	۳۱۸ طرح	۱۱۸	۱۳۳۴۲ طرح
سپرده‌گذاری	۷/۲	۴۶ فقره سپرده	۴۴۰	۲۵۰۰۱۷ فقره سپرده

مأخذ: گزارش عملکرد صندوق توسعه ملی.

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد از ابتدای تأسیس تاکنون قریب به ۴۱ میلیارد دلار در قالب ۳۱۸ طرح یا پروژه و ۴۶ فقره سپرده‌گذاری، تأمین مالی ارزی انجام شده است. به میزان ۵۵۸ هزار میلیارد ریال نیز پرداخت تسهیلات

۱. ضوابط اعطای تسهیلات ارزی موضوع جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور؛
 ماده (۶) - الف - نرخ سود تسهیلات هفت درصد (۷٪) در سال می‌باشد که دو درصد (۲٪) آن به بانک عامل تعلق می‌گیرد.
 ماده (۶) - ت - در صورت تأخیر در تأدیه بدهی اعم از اصل و سود در سررسید بازپرداخت دوازده درصد (۱۲٪) جریمه دیرکرد علاوه بر نرخ سود در سال به تسهیلات‌گیرنده تعلق می‌گیرد که با توجه به الزام بند «پ» کل جریمه تأخیر متعلق به بانک عامل خواهد بود.
 ۲. براساس آخرین گزارش رسمی صندوق در تارنمای آن به آدرس www.ndf.ir/report



ریالی از محل منابع صندوق اتفاق افتاده است.

براساس گزارش عملکرد صندوق توسعه ملی تا پایان خردادماه ۱۴۰۰، تقریباً معادل ۳/۲ میلیارد دلار اقساط طرح‌های ارزی سررسید شده است که از این مبلغ ۱/۳ میلیارد دلار وصول شده است و صرفاً ۱ میلیارد دلار آن در سال ۱۳۹۹ بازپرداخت شده است.

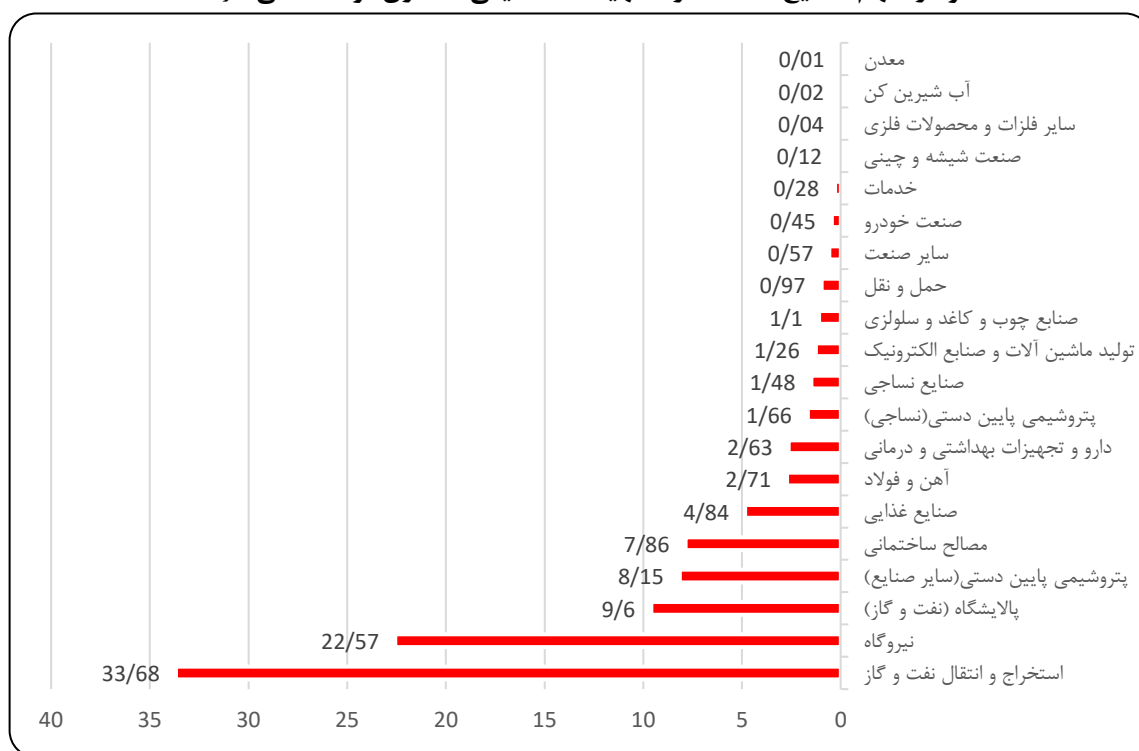
دو نکته دیگر درخصوص بدهکاران صندوق توسعه ملی لازم است تبیین شود:

۱. تسهیلات به کدام بخش‌های اقتصادی تعلق گرفته است؟

۲. بخش خصوصی چقدر از این تسهیلات بهره‌مند شده است؟

نمودار زیر تسهیلات ارزی پرداختی به شیوه عاملیت به تفکیک بخش‌های اقتصادی را نشان می‌دهد:

نمودار سهم صنایع مختلف از تسهیلات عاملیتی صندوق توسعه ملی (درصد)



مأخذ: گزارش عملکرد صندوق توسعه ملی.

براساس گزارش صندوق توسعه ملی، ۳۳ درصد از تسهیلات عاملیتی به بخش استخراج و انتقال نفت و گاز پرداخت شده است. اگر پتروشیمی و پالایشگاه‌ها را نیز به استخراج و انتقال نفت و گاز اضافه کنیم، جمعاً حدود ۵۳ درصد از منابع صندوق توسعه ملی به زنجیره نفت و گاز پرداخت شده است. توجه به این بخش‌ها از این حیث اهمیت دارد که بدانیم چند درصد از بدهکاران صندوق توسعه ملی، احتمالاً دارای درآمد ارزی و صادرات بوده‌اند و اساساً دارای وضعیت

باز ارزی مثبت هستند یا اگر هم فاقد درآمد ارزی هستند در زنجیره‌ای قرار دارند که با افزایش نرخ ارز امکان کسب درآمد ریالی بیشتری برای آنها فراهم می‌شود.^۱

جدول زیر نشان می‌دهد ۵۲ درصد از تسهیلات عاملیتی ارزی صندوق توسعه ملی (گشایش اعتبار شده) به نهادهای عمومی غیردولتی و ۴۸ درصد آن به بخش خصوصی و تعاونی تعلق گرفته است.

جدول ۲. توزیع منابع ارزی از سال ۱۳۹۰ تا خرداد ۱۴۰۰ از محل قرارداد عاملیت ارزی (میلیون دلار و درصد)

اعلام وصول شده			مسدود شده			گشایش اعتبار شده			پرداخت شده		
مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح	مبلغ	سهم از کل	تعداد طرح
۱۷۸۸۳	۵۳	۴۳	۱۷۸۸۳	۵۳	۴۳	۱۵۴۸۶	۵۲	۴۳	۱۱۹۱۲	۵۳	۴۳
۱۶۰۰۹	۴۷	۲۷۲	۱۶۰۰۹	۴۷	۲۷۲	۱۴۲۱۵	۴۸	۲۷۱	۱۰۷۶۹	۴۷	۲۶۶
۳۳۸۹۲	۱۰۰	۳۱۵	۳۳۸۹۲	۱۰۰	۳۱۵	۲۹۷۰۰	۱۰۰	۳۱۴	۲۲۶۸۱	۱۰۰	۳۰۹

مأخذ: همان.

درخصوص سپرده‌گذاری ارزی صندوق توسعه ملی نیز جدول زیر نشان می‌دهد که تقریباً همه منابع به بخش نفت و گاز پرداخت شده است:

جدول ۳. توزیع منابع ارزی از سال ۱۳۹۰ تا خرداد ۱۴۰۰ از محل سپرده‌گذاری ارزی (میلیون دلار و درصد)

بخش اقتصادی	مبلغ تخصیص یافته	سهم از کل	تعداد طرح
نفت و گاز	۵۳۸۰	۹۸	۲۹
صنعت و معدن	۱۳۵	۲	۱۷
جمع کل	۵۵۱۵	۱۰۰	۴۶

مأخذ: همان.

با توجه به آنچه در این بخش اشاره شد، عمده بدهکاران صندوق توسعه ملی، صنایع دارای صادرات و درآمد ارزی یا در زنجیره متصل به بنگاه‌های با درآمد ارزی و با ماهیت عمومی غیردولتی هستند.

۳-۲. مطالبات ناشی از جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸

در جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ بانک مرکزی مکلف به سپرده‌گذاری ارزی در بانک‌های عامل شده است:

۱. البته در صورتی که قیمت‌گذاری مانع این بهره‌مندی نشود.



د- در اجراء بند «۳» ماده (۲۸) قانون سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و به منظور افتتاح خط اعتباری ارزی جهت افزایش سهم تسهیلات ارزی بخش‌های غیردولتی، بانک مرکزی مکلف است از محل منابع ارزی خود مبلغ سه میلیارد (۳.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) دلار را در بانک‌های عامل یا بانک‌های خارجی جهت واحدهای تولیدی سپرده‌گذاری نماید.

در آیین‌نامه اجرایی این بند، بانک صنعت و معدن به عنوان بانک عامل انتخاب شد و به دنبال آن این بانک در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۳ و عمدتاً به یورو اقدام به پرداخت تسهیلات کرده است. ۱۳۶ فقره تسهیلات به مبلغ مجموع ۵۷۱ میلیون یورو پرداخت شده است که شامل ۱۰۵ فقره تسهیلات به مبلغ ۴۵۶ میلیون یورو بابت سرمایه ثابت و ۳۱ فقره تسهیلات به مبلغ ۱۱۵ میلیون یورو بابت سرمایه در گردش است. براساس گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک صنعت و معدن در کمیسیون جهش و رونق تولید^۱ در حال حاضر مانده مطالبات (اصل و سود تسهیلات) از این محل، حدود ۱ میلیارد دلار است.

جدول ۴. مطالبات ناشی از جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ (ارقام به میلیون یورو)

عنوان	سرمایه در گردش	سرمایه ثابت
مبلغ پرداختی	۱۱۵	۴۵۶
سررسید	یک سال و پرداخت به صورت دفعی	۶ سال با دو سال تنفس (بازپرداخت در هشت قسط هر ۶ ماه یکبار)

مأخذ: گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک صنعت و معدن در کمیسیون جهش و رونق تولید - مصوبه هیئت وزیران درخصوص ضوابط اعطای تسهیلات ارزی موضوع جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور.

پس از تصویب ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور در سال ۱۳۹۴ و بخشی از بدهی بدهکاران حساب ذخیره ارزی، با وجود اینکه در بند «الف» ماده (۶) ضوابط اعطای تسهیلات ارزی موضوع این حکم قانونی تأکید شده است: «نوسانات نرخ ارزها در برابر یکدیگر و همچنین در قبال ریال کلاً به عهده تسهیلات‌گیرنده خواهد بود.»، این توقع ایجاد شد که این مسامحه با بدهکاران ناشی از این بند قانون بودجه سال ۱۳۸۸ نیز صورت گیرد. همچنین در حالی این موضوع به صورت کلی مطرح می‌شد که براساس جدول فوق، تسهیلات سرمایه در گردش با بازپرداخت یک‌ساله بوده و سررسید آنها (در صورت پرداخت در سال ۱۳۸۸) قبل از وقوع شوک ارزی سال ۱۳۹۰ بوده و اساساً در صورت ایفای به موقع تعهد در سررسید، بدهکار با معضل افزایش نرخ ارز مواجه نمی‌شد. علاوه بر این در نامه بانک مرکزی به کمیسیون جهش و رونق تولید اشاره شده است که بخش بسیاری از این بدهکاران دارای درآمد ارزی و صادراتی بوده و بخش زیادی از بنگاه‌های فاقد درآمد صادراتی نیز مشمول قیمت‌گذاری محصولات در داخل نیستند و برای این دسته از افراد نیز امکان تأمین ارز از سامانه نیما برای بازپرداخت بدهی فراهم شده است.^۲

۱. جلسات متعددی در زمستان ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰ در محل کمیسیون مزبور برگزار شده است.

۲. نامه بانک مرکزی به کمیسیون جهش و رونق تولید به شماره ۰۰/۱۰۹۴۰۰

با این وجود براساس مفاد بند «ح» تبصره «۴» قانون بودجه سال ۱۳۹۶^۱ کل کشور، مقرر شد تا تسهیلات گیرندگان از محل جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور، مشمول مزایای ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور شوند.

اما یک تفاوت اساسی بین مطالبات حساب ذخیره ارزی و مطالبات قانون بودجه سال ۱۳۸۸ وجود داشت و آن هم این نکته که منابع قانون بودجه سال ۱۳۸۸ متعلق به بانک مرکزی بوده است نه دولت؛ یعنی قانون بودجه سال ۱۳۹۶ باید منابع لازم برای تسویه دولت یا بانک صنعت و معدن یا بانک مرکزی را نیز تعیین تکلیف می‌کرد که این اتفاق نیفتاده است؛ غفلت از این موضوع به عدم اجرای قانون تاکنون منجر شده است.

۴. اصول کلی به‌منظور انتخاب مواجهه بهینه با بدهکاران ارزی

قبل از ارائه پیشنهاد و به‌منظور انتخاب نحوه مواجهه بهینه با بدهکاران ارزی لازم است به اصول زیر توجه شود:

۱. توجه به صادرکننده بودن یا نبودن

اولین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که بسیاری از بدهکاران ارزی به‌دلیل صادرات محصولات خود دارای درآمد ارزی هستند. به عبارت روشن‌تر اگرچه شوک ارزی به افزایش ارزش ریالی بدهی این شرکت‌ها منجر شده است اما از آنجایی که شرکت‌های صادرکننده درآمد ارزی دارند، شوک ارزی به افزایش ارزش ریالی درآمدهای این شرکت‌ها منجر شده است و در صورتی که اصطلاحاً خالص وضعیت ارزی باز^۲ این شرکت‌ها مثبت باشد، اساساً از شوک ارزی منتفع شده‌اند و بخشش بخشی از بدهی این شرکت‌ها هیچ منطقی ندارد.

البته باید دقت کرد که صرف درآمد ارزی داشتن یا صادراتی بودن یک بنگاه معیار مناسبی برای قضاوت نیست، ممکن است بنگاهی درآمد ارزی حاصل از صادرات داشته باشد اما به‌دلیل بدهی‌های ارزی زیاد، دچار خالص وضعیت باز ارزی منفی باشد و از شوک ارزی متضرر شده و توان بازپرداخت تسهیلات آن کاهش پیدا کرده باشد.

۲. توجه به ارزش دارایی

یکی از موضوع‌هایی که باید به آن توجه کرد این است که پس از شوک‌های ارزی و شوک‌های قیمتی سال‌های اخیر، ارزش دارایی اشخاص دریافت‌کننده تسهیلات، افزایش چشمگیری پیدا کرده است. برای مثال اگرچه نیروگاه‌ها اجازه صادرات نداشته و مشمول قیمت‌گذاری بوده‌اند اما پس از شوک‌های اخیر، ارزش نیروگاه‌های ساخته شده و فعال به میزان زیادی افزایش پیدا کرده است.

۱. تسهیلات گیرندگان ارزی از محل جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور در بازپرداخت بدهی خود مشمول حکم ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ می‌باشند.

2. Net Open Position

دارایی ارزی منهای بدهی ارزی شرکت



۳. توجه به دوره و سررسید تسهیلات دریافتی (قبل یا بعد از شوک ارزی)

در بسیاری از موارد سررسید تسهیلات دریافتی، قبل از وقوع شوک ارزی بوده است و شرکت‌ها نسبت به ایفای تعهدات خود اقدام نکرده یا استمهال کرده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به تسهیلات ارزی سرمایه در گردش موضوع جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ اشاره کرد که در این سال پرداخت شده است. مطالبات صندوق توسعه ملی نیز چنین شرایطی دارد. بنابراین باید میان مطالباتی که سررسید آنها قبل از افزایش نرخ ارز بوده و نسبت به ایفای تعهد اقدام نشده است و مطالباتی که سررسید آنها پس از جهش ارز بوده است، تفاوت قائل شد.

۴. توجه به عدم تحمیل هزینه اقدامات دولت به صندوق توسعه ملی

در صورتی که اقدامات دولت از جمله قیمت‌گذاری یا ممنوعیت صادراتی امکان بازپرداخت تسهیلات ارزی را از بین برده باشد، نباید زیان این اقدام دولت از منابع صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی جبران شود. به عبارت روشن‌تر اگر اثبات شود که اقدامات دولت به عدم ایفای تعهد تسهیلات‌گیرندگان ارزی منجر شده و قرار باشد این زیان جبران شود، دولت مسئول جبران زیان خواهد بود نه صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی. از این‌رو در صورت پرداختن به این موضوع در مجلس، لازم است به بار مالی چنین مصوباتی نیز دقت شود؛ در صورت عدم لحاظ منبع مشخصی برای تأمین بار مالی، چنین مصوبه‌ای مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود. علاوه بر این به‌طور خاص در مورد منابع صندوق توسعه ملی، تسویه ریالی تسهیلات ارزی نیازمند اذن مقام معظم رهبری است.

۵. لزوم خودداری از افزایش پایه پولی (بالقوه یا بالفعل)

مطرح کردن منابع واهی نظیر حساب مازاد حاصل از تسعیر خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به‌عنوان منبعی برای پوشش بار مالی ناشی از بخشش بخشی از بدهی بدهکاران ارزی، از حیث کارشناسی قابل دفاع نیست. تسعیر خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی صرفاً ناشی از یک عمل حسابداری است که در حساب سرمایه بانک مرکزی ثبت می‌شود و جبران بدهی به بانک مرکزی از این محل درخصوص بدهکاران ارزی موضوع جزء «د» بند «۶» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ تفاوتی با عدم تأمین منابع مالی آن و الزام بانک مرکزی به پذیرش زیان (جلوگیری از هدم پایه پولی) نداشته و درخصوص بدهکاران ارزی صندوق توسعه ملی منجر به افزایش پایه پولی می‌شود.

جمع‌بندی و ارائه راهکارها

در مقام جمع‌بندی، دو دسته پیشنهاد لازم است که مدنظر قرار گیرد:

۱. پیشنهاد برای جلوگیری از تکرار مسئله عدم بازپرداخت تسهیلات ارزی

ریشه اصلی ایجاد مشکل تسویه بدهکاران ارزی، راهبرد غلط ارزی کشور در تثبیت نرخ ارز اسمی در شرایط تورمی و ایجاد

زمینه برای جهش ناگهانی این نرخ است و اصلاح راهبرد ارزی کشور این مشکل را به صورت ریشه‌ای حل می‌کند.^۱ علاوه بر این لازم است درخصوص تسهیلات ارزی نیز تمهیداتی اندیشیده شود که به‌طور مشخص موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. ممنوعیت پرداخت تسهیلات ارزی به تولیدکنندگان فاقد درآمد ارزی از محل منابع ارزی صندوق توسعه ملی، بانک‌های دولتی و بانک مرکزی (منابع بخش عمومی)؛ در این خصوص باید تولیدکننده در کنار محاسبه بازدهی مورد انتظار طرح خود، اثبات کند که طرح وی در صورت رسیدن به مرحله تولید، قابلیت ایجاد درآمد ارزی دارد،
۲. الزام بانک عامل به احراز وجود و تداوم جریان ارزی یا توانمندی بازپرداخت تسهیلات ارزی توسط تسهیلات‌گیرنده و تضمین این موضوع برای تسهیلات‌دهنده،
۳. ارزیابی وضعیت کفایت سرمایه بانک عامل به‌منظور برآورد میزان توانمندی وی درخصوص پوشش ریسک و تضمین بازگشت تسهیلات،
۴. با فرض اصلاح راهبرد ارزی، معرفی ابزارها و نهادهای پوشش ریسک نوسانات ارز نظیر مشتقات ارزی می‌تواند تا حدودی راهگشا باشد.

۲. پیشنهادهایی برای تعیین تکلیف بدهکاران ارزی

با توجه به نکات گفته شده به‌نظر می‌رسد رویکرد صحیح التزام به قرارداد و وصول کامل مطالبات از بدهکاران است. بر این اساس بانک عامل و تأمین‌کننده منابع (بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی) می‌بایست با هدف بازیافت حداکثری منابع ارزی خود، بر تسویه ارزی (و یا ریالی به نرخ روز تسویه) اصرار و تأکید داشته باشد. در صورت عدم بازپرداخت تعهدات، باید تملک طرح و دارایی بدهکار و سایر وثایق اشخاصی که اقدام به بازپرداخت تسهیلات ارزی نکرده‌اند، متناسب با میزان بدهی در دستور کار قرار گیرد.

در صورتی که به‌رغم مطالب گفته شده و وجود چرخه یادگیری منفی، اصرار بر بخشش بخشی از بدهی بدهکاران ارزی باشد، علاوه بر اینکه به قانون و استیذان از مقام معظم رهبری (درخصوص مطالبات صندوق توسعه ملی) نیاز دارد، ضروری است برخلاف مصوبات قبلی، این موضوع به‌صورت کلی اتفاق نیفتد و اولاً به هزینه دولت انجام شود (نه صندوق توسعه ملی) و ثانیاً محدود به بخشی از بدهکاران که استحقاق نسبی بیشتری دارند شود؛ با این هدف پیشنهاد می‌شود هیئت نظارت صندوق توسعه ملی (رئیس سازمان بازرسی، رئیس دیوان محاسبات و رئیس سازمان حسابرسی)، با مستندات ازجمله صورت‌های مالی حسابرسی شده، بدهکاران صندوق را براساس اصول کلی گفته شده در بخش قبل پالایش کند و در صورت موافقت هیئت امنای صندوق (درخصوص منابع صندوق توسعه ملی) یا شورای پول و اعتبار (درخصوص منابع بانک مرکزی)، تا سقف توافق شده با سازمان برنامه و بودجه یا مندرج در قانون، بخشی از بدهی این دسته از بدهکاران به‌عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی منظور شده و اسناد خزانه اسلامی به صندوق توسعه ملی یا بانک مرکزی تحویل شود.

در هر صورت ضروری است درخصوص بدهکاران ارزی با ویژگی‌های ذیل هیچ‌گونه بخششی اعمال نشود:

۱. پیشنهاد این مرکز درخصوص راهبرد ارزی کشور در گزارش دیگری با عنوان «درآمدی بر راهبرد ارزی کشور: پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی» با شماره مسلسل ۱۷۸۰۰ (تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۷/۲۰) بیان شده است.



۱. بدهی‌هایی که سررسید آنها قبل از نیم سال ۱۳۹۶ بوده است (قبل از شوک ارزی) و با امهال یا نکول بازپرداخت آن به تعویق افتاده است،
 ۲. بدهی‌های واحدهای صادراتی و دارای درآمد ارزی و غیرمشمول قیمت‌گذاری (یا قیمت‌گذاری داده و ستانده هم‌زمان)،
 ۳. بدهی‌های نهادهای عمومی غیردولتی،
 ۴. بدهی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که به تشخیص سازمان بورس و اوراق بهادار می‌توانند با واگذاری سهام خود در بورس منابع لازم برای ایفای تعهدات خود به صندوق توسعه ملی را فراهم کنند (برخی از شرکت‌ها حداقل شناسایی لازم را نیز رعایت نکرده‌اند)،
 ۵. بدهکارانی که به موجب قرارداد یا تعهد رسمی ریسک تغییرات نرخ ارز را پذیرفته‌اند.
- به‌منظور جلوگیری از تشویق بدحسابی و مغبون شدن بدهکاران خوش حسابی که تاکنون تعهدات خود را به صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی ایفا کرده‌اند، لازم است محدودیت‌هایی برای مشمولان بخشش بدهی مدنظر قرار گیرد که موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. **محرومیت دائمی** از دریافت تسهیلات، ضمانت‌نامه و اعتبارات اسنادی ارزی از نهادهای متعلق به بخش عمومی (بانک‌های دولتی، صندوق توسعه ملی، بانک مرکزی و ...).
 ۲. **محرومیت دائمی** از دریافت تسهیلات حمایتی ریالی (تسهیلات با نرخ ترجیحی، وجوه اداره شده و ...).
- همچنین با توجه به اینکه بانک‌های عامل برای اجرای عملیات تسهیلات و تضمین بازپرداخت آن از تسهیلات‌گیرنده کارمزد دریافت کرده‌اند، باید دریافت یا شناسایی درآمد کارمزد بانک‌های عامل، منوط به وصول کامل بدهی یا متناسب با میزان بازپرداخت بدهی شود.